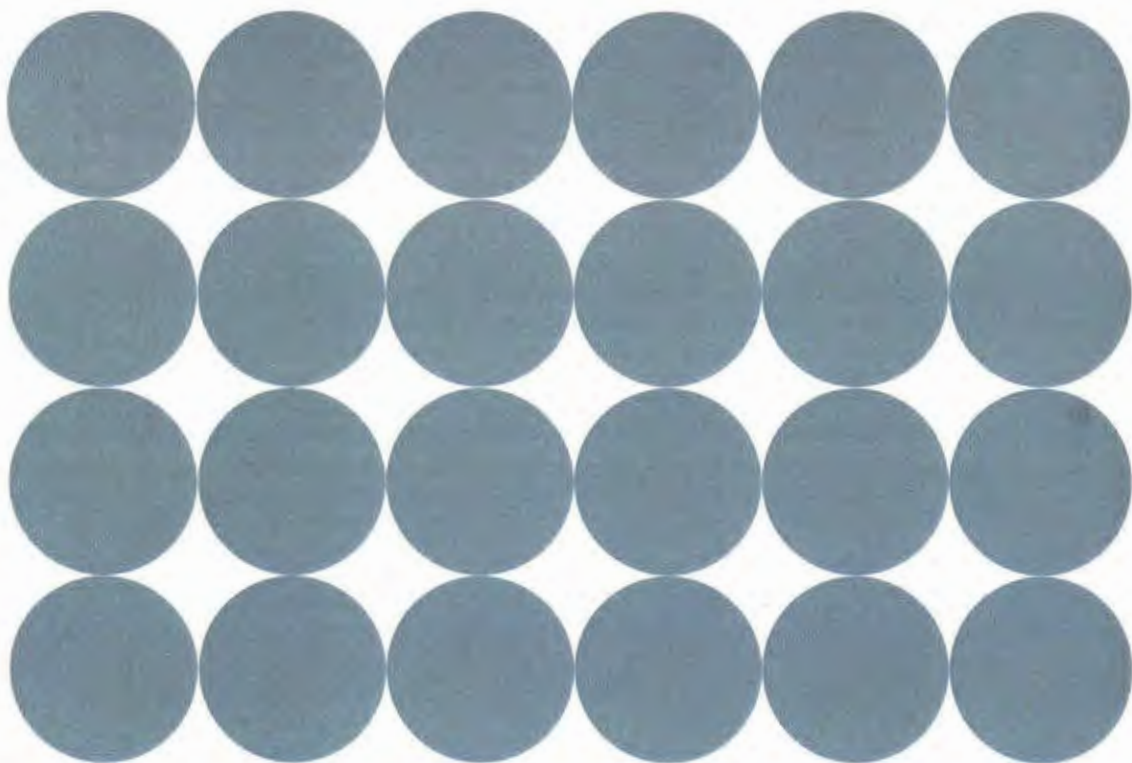




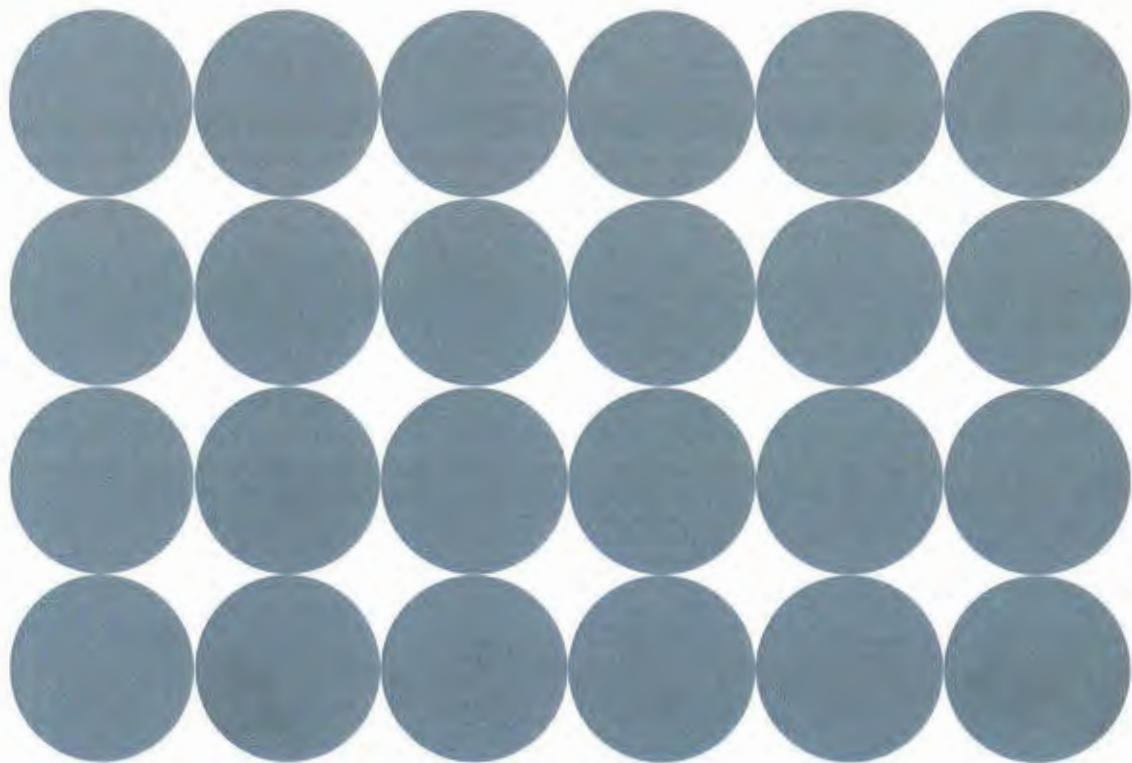
جلوه‌های مدارا در آثار سخنوران بزرگ فارسی

فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ

دکتر احمد کتابی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



The Indications of Tolerance in the Works of the Persian Literary Masters

Ferdowsi, Molavi, Sadi and Hafiz

Ahmad Ketabi (Ph.D.)



Institute of Humanities
and
Cultural Studies



جلوه های مداراد آثار سخنوران بزرگ فارسی:

فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ

دکتر احمد کتابی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۳

سرشناسه: کتابی، احمد، ۱۳۱۹ -

عنوان و نام پدیدآور: جلوه‌های مدارا در آثار سخنوران بزرگ فارسی: فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ/ احمد کتابی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۹۸ ص.

شابک: 978-964-426-708-6

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: تساهل در ادبیات

موضوع: شعر فارسی -- تاریخ و نقد

موضوع: نثر فارسی -- تاریخ و نقد

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۲۵/ت-۰۹/PIR۴۰۰۹

رده بندی دیویی: ۸۱۳۵۳/۰

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۴۸۶۴



جلوه‌های مدارا در آثار سخنوران بزرگ فارسی:

فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ

مؤلف: دکتر احمد کتابی

ویراستار: بهرام مسعود

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانچی

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع

آماده سازی: عرفان بهاردوست

اجرای جلد، حروف‌نگار و صفحه‌آرا: فرزانه صادقیان

طراح روی جلد: عین‌الله آزموده

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

ردیف انتشار: ۹۲-۴۴

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-708-6

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۷۰۸۶

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱۰۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست مندرجات

۱۳		سرآغاز
۱۵		پیشگفتار
۱۹		مقدمات
۱۹		الف - واژه‌شناسی
۲۰		ب - مدارا در فرهنگ‌های فارسی
۲۰		۱. مدارا در فرهنگ‌های قدیم
۲۱		۲. مدارا در فرهنگ‌های جدید
۲۲		ج - تعریف مدارا
۲۳		پانویست‌ها
۲۴		پی‌نوشت‌ها
۲۸		مآخذ

بخش یکم

جلوه‌های مدارا و سعه صدر در اندیشه‌های حکیم ابوالقاسم فردوسی

۳۳		درآمد
۳۵		گفتار یکم - انگیزه‌ها و زمینه‌های مساعد مدارا و سعه صدر
۳۵		الف - فروتنی و خاکساری
۳۵		۱. عجب (غرور ناشی از) قدرت

۳۹	۲. عجب علم
۴۰	۳. عجب هنر
۴۰	۴. عجب ثروت
۴۱	ب - انسان دوستی
۴۱	۱. نیکخواهی و نیکوکاری
۴۵	۲. غمخواری برای هم‌نوع
۴۷	۳. اجتناب از مردم آزاری
۴۸	۴. مردمی و جوانمردی
۴۹	ج - خردمندی و خردورزی
۵۰	د - دادگرایی و ستم ستیزی
۵۱	۱. دادگرایی (عدالت‌جویی)
۵۲	۲. ستم‌ستیزی
۵۹	گفتار دوم - شاخص‌های مربوط به مظاهر و نتایج مدارا و سعه صدر
۵۹	الف - خطاپوشی و بخشندگی
۵۹	۱. بخشاینده‌گی خداوند
۶۰	۲. مقرون به لطف و کرامت بودن دین‌یزدانی
۶۲	۳. فضیلت عیب‌پوشی و ردیلت عیب‌جویی و سخن‌چینی
۶۳	۴. گذشت و بخشایش
۶۵	ب - تحمل
۶۵	۱. بردباری و شکیبایی
۶۷	۲. ملایمت‌گرایی (خشم‌پرهیزی)
۶۹	۳. نرم‌گویی و ادب‌ورزی
۷۰	۴. مهرورزی و کینه‌پرهیزی
۷۳	۵. صلح‌گرایی و نفی جنگ‌جویی تهاجمی (غیردفاعی)
۹۳	پانوشت‌ها
۱۰۰	پی‌نوشت‌ها
۱۰۸	مأخذ

بخش دوم

مدارا و سعه صدر در آثار مولانا جلال الدین محمد مولوی

درآمد.....	۱۱۳
گفتار یکم - انگیزه‌ها و زمینه‌های مساعدِ مدارا.....	۱۱۵
الف - خودشناسی و خودآگاهی.....	۱۱۵
ب - فروتنی و خاکساری.....	۱۱۷
۱. محاسن و برکات تواضع.....	۱۱۸
۲. مضرات و توالی فاسد تکبر.....	۱۱۸
ج - انسان دوستی و نیکخواهی.....	۱۲۳
۱. نیکوکاری و خدمتگزاری به خلق بهترین باقیات الصالحات است.....	۱۲۳
۲. نیکوکاری نه تنها موجب رضایت خالق که مایه آرامش و رضایتِ خاطر نیکی کننده هم هست.....	۱۲۳
۳. پاداش نیکی، نیکی و پاداش بدی و ستم هم، نیکی است.....	۱۲۳
۴. عدم تبعیض بین خود و دیگران.....	۱۲۳
د - وحدت وجود.....	۱۲۴
هـ - عدم تعصب.....	۱۲۵
و - استقلال فکری و اجتناب از تقلید.....	۱۲۷
ز - آزادمنشی و آزاداندیشی.....	۱۲۹
ح - نسبیت‌گرایی.....	۱۳۱
۱. نسبی بودن معرفت آدمی.....	۱۳۲
۲. حقیقت چه بسا نسبی و تأویل پذیر است.....	۱۳۲
۳. خیر و شر هم مقولاتی نسبی است.....	۱۳۳
۴. هر موجودی در محدوده دنیای خود محصور و بدان دلخوش است.....	۱۳۳
۵. هر فرقه و گروهی، آیین و شیوه تفکر و اندیشه خود را صواب و بحق می‌انگارد و آنِ دیگران را خطا و باطل.....	۱۳۴
۶. هر گروه نردبان و آسمان مخصوص خود را دارد.....	۱۳۴
۷. گناهکار، در واقع، مُسخر تقدیر و اسیر حکم حق است.....	۱۳۴

۸. موسی و فرعون هر دو مُسَخَّرِ یک مشیت‌اند چنانکه «بازهر و زهر و ظلمات و نور...» ۱۳۵
۹. کفر و ایمان ناشی از مشیتِ خداوند است. ۱۳۵
- گفتار دوم - مظاهر (ثمرات) و نتایج (آثار) مدارا و سعه صدر. ۱۳۹
- الف - بخشاینده‌گی و خطاپوشی ۱۳۹
۱. بخشاینده‌گی خداوند. ۱۳۹
۲. مقرون به لطف و کرم بودن شرایع الهی. ۱۴۴
۳. خطاپوشی و اجتناب از عیب‌گویی ۱۵۲
- ب - تحمل و حلم (بردباری) ۱۵۷
۱. تحمل (مدارا به مفهوم اخص کلمه). ۱۵۷
۲. حلم (بردباری) ۱۵۹
- ج - نرم‌خویی و خشم‌پرهیزی ۱۶۱
۱. نیک‌خویی و خوش‌خلقی از والاترین فضایل و سجایاست ۱۶۱
۲. خشم موجب بدبینی و تصوراتِ باطل نسبت به بندگان خداست ۱۶۲
۳. خشم‌ورزی منشأ دوزخ است. ۱۶۲
۴. فرو نشاندن خشم از نشانه‌های مردانگی و از ویژگی‌های پیامبری است ۱۶۲
۵. در امان ماندن از غضب الهی، موکول به فرو نشاندن خشم خود است. ۱۶۲
۶. ناپره غضب تنها با نورِ ایمان خاموش شدنی است ۱۶۳
۷. خشم، بیش‌صحب و استقامت روح را سلب می‌کند. ۱۶۳
۸. خشم، قابل‌والایش (تصعید) است ۱۶۳
۹. مردان حق بر خشم خود مسلط‌اند. ۱۶۳
۱۰. آتش خشم، سرانجام، دامن خشمگیر را هم می‌گیرد. ۱۶۳
۱۱. خشم نه خیر مطلق است و نه شرّ مطلق ۱۶۳
- د - بزرگواری و از خودگذشتگی ۱۶۴
۱. مُجاب و مغلوب نشان دادن خود در ظاهر به انگیزه حفظِ حُرمت و شکسته نشدن طرفِ مباحثه. ۱۶۴
۲. تلفظ غلط کلمات به عمد به انگیزه ملاحظه‌ای اخلاقی ۱۶۴

فهرست مندرجات ۹

۱۶۵	۳. تلاش در جهت اصلاح ذات البین و رفع منازعات و کدورت‌های مردم.
۱۶۶	هـ- مسالمت و دوستی موجب آرامش خاطر است.
۱۶۶	و- صلح مطلق، صلح با همه.
۱۶۷	ز- مهرورزی و اجتناب از کینه‌توزی.
۱۶۸	۱. معجزات مهر و محبت.
۱۶۸	۲. شواهدی بر مهرورزی و غیر دوستی مولانا.
۱۷۱	۳. نکوهش کینه‌توزی.
۱۷۱	ح- ادب‌ورزی.
۱۷۳	ط- مشورت و رایزنی.
۱۷۳	۱. فلسفه و علت وجودی مشورت.
۱۷۴	ی- نکوهش انتقادناپذیری و عدم تسلیم در برابر حق.
۱۷۶	ک- حمل بر برائت و صحت کردن اعمال دیگران.
۱۷۷	ل- باید به جای ظاهر اعمال به باطن آنها نگریست.
۱۷۸	م- خوش‌بینی نسبت به طبیعت (نهاد) آدمی.
۱۷۸	پانویشت‌ها.
۱۸۹	پی‌نوشت‌ها.
۱۹۸	مأخذ.

بخش سوم

مدارا و سعه صدر از دیدگاه شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی

۲۰۳	درآمد: «خداوند اندیشه و سخن»، سعدی شاعر دیروز، امروز و فردا.
۲۰۶	مدارا و تساهل از دیدگاه سعدی.
۲۰۷	گفتار یکم- انگیزه‌ها و زمینه‌های مساعدِ مدارا و تساهل.
۲۰۷	الف- خودشناسی و خودآگاهی.
۲۰۸	۱. انتقادپذیری، عامل عمده خودشناسی و اصلاح نفس.
۲۱۱	۲. تملق و خطر ایجاد خودفریبی و خودبزرگ‌بینی.
۲۱۵	ب- فروتنی و خاکساری.

۲۱۸	ج - اجتناب از کمال‌طلبی و مطلق‌گرایی
۲۲۰	د - نوع‌دوستی
۲۲۱	۱. عدم تبعیض بین خود و دیگران
۲۲۱	۲. خدمت به خلق
۲۲۳	تأملی در داستان‌های آموزنده و انسان‌دوستانه بوستان
۲۲۶	۳. عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی
۲۲۸	هـ - مهرورزی نسبت به حیوانات
۲۳۱	گفتار دوم - مظاهر و نتایج مدارا و تساهل
۲۳۱	الف - بخشش و خطاپوشی
۲۳۱	۱. بخشاینده بودن خداوند
۲۳۴	۲. فضیلت عیب‌پوشی
۲۳۶	۳. روا داری اظهار خلاف واقع به انگیزه‌های انسانی
۲۳۶	۴. ترجیح عفو بر انتقام
۲۳۸	۵. رحمت آوردن بر خطاکاران
۲۳۸	۶. ملاحظت و شفقت در حق بدان
۲۳۹	ب - خوشخوانی
۲۴۰	ج - نیکی و جوانمردی
۲۴۱	د - مهرورزی و اجتناب از آزاردهی
۲۴۲	هـ - احترام به آرا و معتقدات دیگران
۲۴۴	و - اذعان به خطا و اشتباه
۲۴۵	ز - اکتفای به ظاهر و احتراز از تجسس
۲۴۷	ح - عیب‌پوشی و پرهیز از غیبت
۲۵۰	غیبت و حسد
۲۵۱	ط - توصیه به ملایمت در امر به معروف و نهی از منکر
۲۵۵	ی - تحقّل
۲۵۹	ک - صلح‌طلبی و مسالمت‌جویی
۲۵۹	۱. در مزیت و رجحان صلح بر جنگ

۲۵۹	۲. ملاطفت با دشمن و پذیرش درخواست صلح و امان خواهی او
۲۶۰	۳. موارد جواز توسل به جنگ
۲۶۰	ل - پرهیز از تعصب
۲۶۱	۱. سعه صدر در مواجهه با آرای مخالف
۲۶۲	۲. اجتناب از خودرایی و اعتقاد به مشورت
۲۶۴	۳. احتراز از پیش داوری
۲۶۵	م - نسبیت گرایی
۲۶۶	ن - اجتناب از تقلید کورکورانه
۲۶۷	حاصل سخن و جمع بندی
۲۶۸	پانویشت ها
۲۷۹	پی نوشت ها
۳۱۰	مأخذ

بخش چهارم

مدارا و سعه صدر در اشعار خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی

۳۱۵	درآمد: خواجه شمس الدین محمد حافظ: آخرین سراینده بزرگ ایران
۳۱۷	مدارا از دیدگاه حافظ
۳۱۹	گفتار یکم - انگیزه ها و زمینه های مساعد (برای) مدارا و تساهل
۳۱۹	الف - تواضع و خاکساری
۳۲۰	۱. عواقب غرور و مزایای تواضع
۳۲۱	۲. سرنوشت سلاطین و حکمرایان مقتدر و مطلق العنان گذشته
۳۲۲	۳. عجب علم، عجب زهد و عجب خانقاهی
۳۲۳	۴. از وسائل و طرق شکست غرور
۳۲۴	ب - انسان دوستی
۳۲۴	۱. غمخواری برای هم نوع
۳۲۵	۲. نیک خواهی و نیکوکاری
۳۲۶	۳. نیکویی در برابر جفاکاری

۳۲۶	۴. گره‌گشایی
۳۲۷	۵. عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی
۳۲۷	۶. اجتناب از مردم آزاری
۳۲۸	۷. دوستی و مهرورزی
۳۲۹	ج - وحدت وجود
۳۳۱	د - جبرگرایی
۳۳۷	گفتار دوم - شاخص‌های مربوط به مظاهر و نتایج مدارا
۳۳۷	الف - خطا پوشی و بخشندگی
۳۳۷	۱. بخشاینده‌گی خداوند
۳۴۰	۲. مقرون به لطف و کرامت بودن شریعت الهی
۳۴۱	۳. فضیلت عیب‌پوشی و مذمت عیب‌جویی
۳۴۴	ب - تحمل
۳۴۴	۱. بردباری در برابر ناروایی
۳۴۶	۲. احترام به آراء و معتقدات دیگران
۳۴۷	۳. احتراز از ستیزه‌جویی و مجادله
۳۴۹	۴. انتقادپذیری
۳۵۱	ج - نسبیت‌گرایی
۳۵۲	د - خوش‌بینی و حسن ظن
۳۵۴	پانویشت‌ها
۳۵۷	پی‌نوشت‌ها
۳۶۷	مأخذ
۳۷۱	نمایه

سرآغاز

ده سال پیش، ضرورت اجرای طرح موظف پژوهشی «شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی (سعدی)»، که بخش مربوط به «تساهل و تسامح» آن به راقم این سطور محول شده بود، توفیق مطالعه دقیق و مکرر آثار شیخ اجل را به من ارزانی داشت. این طرح جزئی از پروژه بسیار گسترده و مفصلی بود که به ابتکار و همت دوست دانشور و گرانقدرم دکتر حمید تنکابنی طراحی شده و قرار بود، علاوه بر سعدی، درباره آثار سایر سخنوران بزرگ فارسی نیز، به مرحله اجرا در آید.

خوشبختانه، بخش مربوط به سعدی این پروژه، تحت مدیریت شایسته مشاقلیه و با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر هفت نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ۱۳۸۱ به اتمام رسید و گزارش نهایی آن، تحت عنوان «مجموعه هویت فرهنگی و توسعه: شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی (سعدی)»، در ۱۳۸۲ توسط انتشارات پژوهشگاه انتشار یافت^(۱)* و از قضا مورد عنایت دانش‌پژوهان - به‌ویژه سعدی‌شناسان «مرکز سعدی‌شناسی» در شیراز - قرار گرفت. بعدها، به دلائلی چند، ادامه این پروژه بسیار مفید و ابتکاری متأسفانه متوقف ماند و همکاران آن، هر کدام به سرپرستی و یا اجرای طرح‌های پژوهشی دیگری پرداختند؛ ولی نگارنده، که در جریان ردیابی شاخص‌های مربوط به تساهل و تسامح در آثار منثور و منظوم سعدی، بدین موضوع علاقه‌مندی و دلبستگی وافری یافته بود، به این اندیشه افتاد که این بررسی را،

*. اعداد داخل پرانتز نشانه ارجاع به پی‌نوشت و اعداد بدون پرانتز علامت ارجاع به پانویست است.

حداقل، در مورد سه تن دیگر از سخنوران بزرگ فارسی - فردوسی، مولوی و حافظ - هم، به انجام رساند.

آنچه اکنون پیش‌روی دارید حاصل اجرای طرح پژوهشی مذکور درباره چهار سخنور یاد شده است که پس از حک و اصلاح مکرر و الحاق مباحث و ضmann و حواشی جدید و جمع آنها در قالب یک کتاب تقدیم محضر خوانندگان ارجمند می‌گردد. این نکته نیز شایان ذکر است که بنابه توصیه صائب استاد فرهیخته جناب بهاءالدین خرمشاهی، در عنوان این مجموعه نیز تغییر مناسبی اعمال و به جای «تساهل و تسامح» از تعبیر زیبای «مدارا» - که در بیت جاودانی خواجه شیراز هم آمده^(۲) - استفاده شده است.

تدوین و نگارش این مجموعه که شاید تنها حاصل عمر بی‌حاصل این بنده باشد، مرهون و مدیون راهنمایی‌های خردمندانه و یاری‌های ارزنده استادان، سروران و دوستان گرانقدری است که سپاسگزاری از آنها براینجانب فرض است - هر چند که زبان و قلم به‌راستی از ادای دین و تشکر شایسته و بایسته نسبت به این عزیزان قاصر است.

صرف‌نظر از استادان و سروران ارجمندی که از عنایات بی‌دریغ آنان، ضمن مقدمه‌های بخش‌های چهارگانه کتاب، یاد و تقدیر شده است، لازم می‌دانم مراتب تشکر قلبی خود را از جناب آقای ناصر زعفرانچی - مدیر شایسته و فرهیخته انتشارات پژوهشگاه - ابراز دارم که بدون یاری ایشان، انتشار این کتاب، در این شرایط دشوار، میسر نبود. همچنین، جای آن دارد که از دوست دیرین و ادیب اریب جناب بهرام مسعود یاد کنم که بزرگوارانه زحمت مرور و ویراستاری نهایی کتاب را تقبل کردند. بی‌گمان، اگر بذل عنایت ایشان نبود، این کتاب با غلط‌ها و اشتباهات متعددی از چاپ خارج می‌شد و نیز باید از تلاش‌های خانم زینب جهانبان کفّاش و خانم فرزانه صادقیان سپاسگزاری کنم که با ورزیدگی و دقتی ستودنی به ترتیب، کار حروف‌چینی و صفحه‌آرایی کتاب را به انجام رساندند.

احمد کتابی

اسفند ۱۳۹۲

پیشگفتار

ایمن ز دشمنیم که با دشمنیم دوست
بنیانِ زندگی به مدارا گذاشتیم
«رهی معیری»

مدارا و سعه صدر، از دیر باز، از ثمرات و دستاوردهای تمدن مغرب‌زمین به‌شمار می‌آمده است؛ ولی دور از انصاف خواهد بود اگر سهم و نقش سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها - به‌ویژه تأثیر انکارناپذیر فرهنگ پر بار ایران زمین - در اشاعه مدارا و تحمل افکار مخالف و همزیستی مسالمت‌آمیز با اقوام و ادیان گوناگون، نادیده یا دست‌کم گرفته شود.

نباید فراموش کرد که همزمان با حاکمیت مطلق تاریک‌اندیشی و خشونت‌گرایی بر اروپا در قرون وسطی، بسیاری از فیلسوفان، اندیشمندان و سخنوران ایرانی در آثار خود، با صراحت و یا به تلویح، از آزادی‌اندیشه و ضرورت احترام به آراء و باورهای دیگران دفاع کرده‌اند. آثار اکثریت غالب صوفیان و عارفان ایران، بارزترین گواه این مدعاست.

در این تحقیق کوشش شده است تجلیات مفهوم مدارا در آثار چهار تن از سخنوران سترگ فارسی - فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ - به‌گونه‌ای نظام‌مند^۱ ردیابی و بررسی شود. بدین منظور، نخست ملاک‌ها و شاخص‌هایی برای ارزیابی میزان تمایل به مدارا در نظر گرفته شده و سپس بر مبنای آنها، تمامی آثار این سخنوران - اعم از منثور و منظوم - به دقت استقصا شده و شواهد دال بر اعتقاد و یا گرایش آنان به این مقوله استخراج، دسته‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل شده است.

شایان ذکر است که این تحقیق، در اصل، در چهارچوب یک طرح پژوهشی موظف - از طرح‌های پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - طراحی شده و نتایج آن به صورت چهار گزارش مستقل فراهم آمده بود که هر کدام به بررسی مفهوم مدارا از دیدگاه یکی از سخنوران یاد شده اختصاص داشت. آنچه اکنون از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد، حاصل ادغام و تجمیع گزارش‌های مذکور است که با الحاق مباحث جدید و پس از جرح و تعدیل و حذف مطالب اضافی و تکراری به صورت یک کتاب درآمده است.

در اینجا تذکر چند نکته مهم را ضروری می‌داند:

۱. در این پژوهش، به تبعیت از یک سنت حسنه علمی، تلاش بسیار شده است تا مطالب و نظریات ارائه شده به صورت کاملاً مستند و به اتکای مأخذ و مراجع اصلی و دست اول مطرح شود. همچنین، سعی شده است تمام شواهد مورد ارجاع با ذکر دقیق محل وقوع - و با مشخص کردن موقعیت و داستان مربوطه و با قید صفحات و سطرها و یا شماره آیات مورد استناد - ارائه شود تا بدین ترتیب، خوانندگان علاقه‌مند بتوانند با توجه به نشانی ذکر شده، به سهولت متن و بافت^۲ شاهد مثال‌ها را بیابند؛ زیرا ذکر یک شاهد مثال، فارغ از ماقبل و مابعد آن و بدون توجه به زمینه و طرح کلی موضوع مورد بررسی، نه تنها وافی به مقصود نیست که می‌تواند گمراه کننده هم باشد.

۲. در بعضی موارد، شمار شاهد مثال‌های ذکر شده ممکن است زیاده از حد به نظر برسد؛ ولی باید توجه داشت که این کثرت شواهد، خود می‌تواند گویای اهمیت و ضرورت مسأله از دیدگاه سخنور مورد نظر باشد. با وجود این، در مواردی که تعداد شاهد مثال‌ها از حد متعارف فراتر رفته، موارد اضافی و تکمیلی به پی‌نوشت‌ها انتقال یافته و یا به ذکر آدرس آنها اکتفا شده است.

۳. در جریان تحقیق، تمام سعی و اهتمام نگارنده معطوف بدان بوده است تا از هرگونه یکسوگرایی و جانبداری و پیشداوری غیرمدلل اجتناب شود. در این راستا، علاوه بر ارائه شواهد دال بر گرایش سخنوران مذکور به مدارا، از ذکر شواهدی که احیاناً از عدم تمایل یا مخالفت آنها با مقوله مذکور حکایت می‌کند نیز، غفلت نشده است.

۴. در مواردی که آراء و اقوال سخنوران مذکور درباره مدارا، به شکلی مضمون مشترک، در آثار سایر سخنوران فارسی هم آمده، مراتب حتی المقدور با ذکر مأخذ، در پی‌نوشت‌ها منعکس شده است.

۵. از آنجا که در دوران پس از اسلام، فرهنگ ایرانی با فرهنگ و معارف اسلامی، آمیختگی و پیوندی انکارناپذیر یافته است و با عنایت به اینکه در فرهنگ اسلامی نیز، نشانه‌هایی از گرایش به مدارا مشاهده می‌شود،^(۳) بی‌مناسبت دیده نشد، مضامین مشترکی که در این زمینه یافت می‌شود، در پی نوشت‌ها ذکر گردد.

۶. برای اجتناب از تشبیه حاصل از ضبط‌های متفاوت اشعار و اقوال در آثار سخنوران مذکور، یکی از نسخه‌ها که به تأیید استادان فن از اعتبار نسبی بیشتری برخوردار بوده، به عنوان نسخه اصلی، ملاک بررسی و محلّ مراجعه قرار گرفته است (مشخصات این نسخه در ابتدای بخش‌های چهارگانه ارائه شده است). بدیهی است در مواردی که رجوع به نسخه‌ها و چاپ‌های دیگر ضروری به نظر می‌رسیده، با ذکر مشخصات نسخه مورد مراجعه و محل وقوع شاهد مورد بررسی، بدانها استناد شده است.

۷. پانوشته‌ها عمدتاً به درج کلمات لاتین و نیز معانی لغات و احیاناً اشعار اختصاص یافته و مطالب و نکات توضیحی و تکمیلی و ارجاعات برون متنی، تا آنجا که میسر بوده، به پی‌نوشت‌ها منتقل شده است. ضمناً پانوشته‌ها و پی‌نوشت‌ها و مأخذ برای هر قسمت، حتی مقدمه، جداگانه تنظیم شده است. در ضمن، ارجاع به پانوشته‌ها با اعداد فاقد پرانتز و ارجاع به پی‌نوشت‌ها با اعداد مسلسل داخلی پرانتز صورت گرفته است.

۸. ارجاعات کتاب، تا آنجا که میسر بوده، به شکل درون متنی (به ترتیب شامل نام خانوادگی صاحب اثر، سال انتشار اثر و شماره صفحه مورد استناد) تنظیم و در داخل پرانتز گنجانده شده است. تکرار مرجع، اگر بدون فاصلی شدن مأخذ دیگری بوده، با ذکر کلمه «همانجا» (در صورتی که مربوط به صفحه واحدی باشد) و با کلمه «همان» به اضافه شماره صفحه (در صورتی که مربوط به صفحه دیگری باشد) نمایش داده شده است. ضمناً در حالتی حائل شدن مأخذ یا مأخذ دیگر، ارجاع درون متنی کاملاً تکرار شده است. در ضمن، به جای عبارت «رجوع/ نگاه کنید به» علامت پیکان (←) به کار رفته است.

۹. مأخذی که به صورت نقل قول مستقیم بدانها استناد و یا از آنها به نحو غیرمستقیم استفاده شده در قسمت مأخذ تحت عنوان کلی مأخذ، به ترتیب حرف اول نام خانوادگی صاحبان اثر، فهرست شده است. افزون بر این، از ذکر مأخذ و مراجع دیگری که با موضوع کتاب و مباحث آن مرتبط به نظر می‌رسیده است، جهت آگاهی و مراجعه علاقه‌مندان، خودداری نشده است.

۱۰. از آنجا که بخش‌های چهارگانه کتاب در چندین مرحله و با فواصل زمانی طولانی، تدوین و تألیف شده است، این احتمال متصور است که تفاوت‌هایی از نظر نحوه تبویب و تنظیم مباحث و انتخاب شاخص‌ها و چگونگی استناد به شواهد مثال و ارجاع‌دهی و غیر آن پدید آمده باشد. همچنین، به دلیل کثرت فوق‌العاده شواهد مستخرج و نیز به جهت اشتیاق وافر نگارنده به اینکه، به هر تقدیر، این «قندهای مکرر» ناگفته نماند، قطعاً موارد متعددی از تکرار و شاید اطناب پیش آمده باشد که از هر دو بابت از محضر خوانندگان ارجمند عذرخواهی می‌کند.

۱۱. گرچه نگارنده، طی سال‌های گذشته آن مایه از عمر و توان و بضاعت مزاجه را که میسر بوده، در راه رفع نقص‌ها و نارسایی‌های این مجموعه به کار گرفته و از تحمل خستگی و بیخوابی ممتد در طریق کمتر کردن ایرادها و اشکال‌های احتمالی آن فروگذاری نکرده است؛ ولی همچنان یقین دارد که کتاب هنوز، تا حد کمال، و حتی کم نقصی، راه درازی را در پیش دارد. اما چه کنم که به گفته دای دون:

اگر می‌بایست چندان تأمل کنم که خامی‌های کارم همه پخته و کاستی‌های آن همه برطرف شود، نگارش این کتاب هرگز به پایان نمی‌رسید.^۴

از این‌رو، رفع کمبودهای باقیمانده را به فرصت‌ها و چاپ‌های بعدی وامی‌گذارم، باشد که در این فاصله، مثل همیشه، مشمول الطاف و عنایات صاحب‌نظران و سروران ارجمندی قرار گیرم که با یادآوری خطاها، سقاطها، تصحیف‌ها و حشوهای قبیح و امثال آن، بنده کمترین را یاری فرمایند.

مقدمات

الف - واژه‌شناسی

آنچه در زبان فارسی متداول امروز به «مدارا» تعبیر می‌شود، معادلی است برای کلمه‌های انگلیسی و فرانسوی tolerance و toleration^۳. شایان ذکر است که فرهنگ‌نویسان و مترجمان فارسی، در ترجمه واژه‌های مذکور، از لغت‌ها و تعبیرهای دیگری نیز استفاده کرده‌اند.^(۵) از آن جمله: مساهله، مسامحه، تساهل - تسامح،^(۶) سهل‌گیری، تحمل، مماشات، بردباری، اغماض، آزادمنشی، آزادگی، رواداری،^(۷) دیگرپذیری، سعه/ شرح صدر، حلم، مراعات، رفق، تجویز، آزر، چشم‌پوشی، شکیبایی و عدم‌سخت‌گیری. در میان کلمات و اصطلاحات یاد شده، سعه (شرح) صدر، تحمل و رفق، تا حدود زیادی، به مدارا نزدیک‌اند ولی سایر لغات و تعبیرات به دلایلی که در زیر اقامه خواهد شد، قرابت و مشابهت چندانی با «مدارا» ندارند و بنابراین، جایگزین درست و مناسبی برای آن به نظر نمی‌رسند:

۱. بعضی از این واژه‌ها، لااقل در برخی از کاربردهایشان، متضمن بارمعنایی منفی‌اند از آن جمله است کلمه «مسامحه» که گاهی از آن، مفهوم کم دقتی و کوتاهی در انجام وظیفه استنباط می‌شود. همین اشکال، کم‌وبیش، در واژه‌های سهل‌گیری، مساهله، و تا حدی در تساهل و تسامح نیز می‌تواند مطرح شود.

۲. بعضی از این کلمات، با وجود آنکه متضمن و مبین عناصری از مدارا هستند، نمی‌توان آنها را با مدارا همانند و به اصطلاح مترادف دانست. از آن زمره‌اند: بردباری، شکیبایی، اغماض، آزادمنشی، آزادگی و گذشت.

۳. برخی از این لغات خالی از ابهام نیستند. از آن جمله است تعبیر «رواداری» که حدود و شمول و مصادیق و یا به اصطلاح «متعلق» آن مشخص نیست.^(۸) آیا مراد از رواداری این است که هر فعل و یا ترک فعلی را باید «روا» و «مجاز» دانست و تحمل کرد؟^(۹) در این صورت، رواداری با «اباحه‌گری» قابل خلط و اشتباه است. همین ایراد، کم‌وبیش، درباره کلمه

«تجویز» - به معنای جایز دانستن و مجاز شمردن و نیز توصیه کردن - نیز صادق است. آیا «جایز شمردن» همهٔ اعمال و یا تُرک آنها را شامل می‌شود و یا اینکه برای آن محدودهٔ مشخصی وجود دارد؟ دربارهٔ ترکیب «دگرپذیری» هم، همین اشکال و ایراد می‌تواند مصداق یابد: تعریف «دگر» چیست؟ به دیگر سخن، تحت عنوان «دگر» چه کسی و چه چیزی را باید پذیرفت و تحمل کرد؟ و تا چه حد و مرزی؟

۴. بعضی از این واژه‌ها با مدارا به کلی بی‌ارتباطاند و یا ارتباطی جزئی، فرعی و غیرمستقیم دارند. واژهٔ «آزرم»^(۱۰) نمونهٔ بارز این‌گونه کلمات است.

با توجه به توضیحات و ملاحظات یاد شده، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که در حال حاضر، در برابر واژهٔ فرهنگی tolerance معادلی مناسب‌تر و گویاتر از «مدارا» وجود ندارد. به دیگر سخن، در بین کلمات و تعبیرهای فارسی ارائه شده، واژهٔ مذکور به اصطلاح قدما «خیرالموجودین» است. بنابراین، برای اجتناب از تشتت اصطلاحات، بهتر است از کاربرد تعبیرها و معادل‌های متفرقه خودداری کرد.

پس از این توضیحات مقدماتی، اکنون هنگام آن است که به ارائهٔ تعریفی نسبتاً جامع و مانع از «مدارا» پرداخته شود. بدیهی است که این تعریف نمی‌تواند فارغ از معانی لغوی کلمهٔ مذکور تنظیم و مطرح شود.^(۱۱) از این‌رو، نخست به جست‌وجوی معانی این کلمه در فرهنگ‌های قدیم و جدید پرداخته می‌شود:

ب - مدارا در فرهنگ‌های فارسی

واژهٔ مدارا، در اصل، عربی و از نظر هویت دستوری مصدر بابِ افعال و یا مصدر میمی^(۱۲) است. برای این کلمه در فرهنگ‌ها معانی گوناگون در مواردی متضاد، ذکر شده است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. مدارا در فرهنگ‌های قدیم

غیاث‌اللغات: رعایت کردن و صلح و آشتی نمودن

آندراج (و نیز فرهنگ ناظم‌الاطباء): سُلوک، ملایمت، آرامی

شایان ذکر است که در اکثر فرهنگ‌های قدیم، برای واژهٔ «مدارا» گاهی معانی منفی هم ذکر شده است از آن جمله: یکدیگر را دفع کردن (منتهی‌الارب، صراح، زوزنی)، مدافعه،

مخالفت، ...، فریب آوردن با کسی (دستورالاحوان) (ماخذ: لغت‌نامهٔ دهخدا). ولی غلبه با معانی مثبت است.

۲. مدارا در فرهنگ‌های جدید

لغت‌نامهٔ دهخدا (یادداشت مؤلف): آهستگی، نرمی، رفق، مماشات، راه‌آمدن با (کسی یا چیزی)، تسامح، بردباری، تحمل، ملایمت
فرهنگ فارسی دکتر معین: ۱- (مصدر) نرمی کردن، ملاطفت نمودن، به مهربانی رفتار کردن، ۲- نرمی، لطف، مهربانی.

فرهنگ سخن: در این فرهنگ معانی مدارا به سه گروه تفکیک شده است:

یک - به نرمی و مهربانی رفتار کردن:

- که با زیردستان مدارا کنیم ز خاکِ سیاه مشک سارا^۴ کنیم

فردوسی

وقتی به لطف گوی و مدارا و مردمی باشد که در کمنده قبول آوری دلی

سعدی

به مدارا دل تو نرم کنم آخر کار به درم نرم کنم گر به مدارا نشود

منوچهری دامغانی

دشمن که به مدارا و ملاطفت به دست نیامد.

«کلیله و دمنه»

«وی مردی زیرک و گریز^۵ و کاردیده بود و مدارا می‌دانست کردن با هر جانبی»

تاریخ بیهقی

دو - بردباری و تحمل کردن

تو لشگر بیارای و بر ساز جنگ مدارا کن اندر میان و درنگ

فردوسی (پادشاهی کسری نوشین روان...)

سعدیا چاره ثبات است و مدارا و تحمل من که محتاج تو باشم ببرم بارِ گرانت

سعدی

«[نفس را] چندان که مدارا بیش کنی [مخالفت] زیادت کند»

سعدی

سه - کنار/ راه آمدن با کسی، ساختن با او:

تن خویش در جنگ رسوا کند همان به که با او مدارا کند

فردوسی

ای پسر با جهان مدارا کن وز جفا‌های او منال و ملنگ

ناصر خسرو

(برای توضیحات و شواهد بیشتر ← لغت‌نامه دهخدا، ذیل مدارا، مدارا کردن، مداراة)

فرهنگ‌نامه فارسی (واژگان و اعلام): همکاری، همراهی یا همزیستی با دیگران همراه با

تحمل وضع ناخوشایند (غلامحسین صدری افشار و دیگران، ۱۳۸۸، ذیل مدارا)

ج - تعریف مدارا

مدارا چیست؟ مدارا نیک‌ترین خصلت آدمی است. ما همه، سستی‌ها و خطاهای بسیاری

داریم. بی‌انیم و حماقت‌های خود [و دیگران] را ببخشیم. این نخستین قانون طبیعی است.

(ولتر، فرهنگ فلسفی)

ارائه تعریفی دقیق - جامع و مانع - از مدارا بسیار دشوار است زیرا برحسب میزان تحملی که در فرد یا جامعه نسبت به باورها و رفتارهای دیگر اندیشان وجود دارد و محدوده‌ای که برای آزادی عمل آنها تعیین شده است، این تعریف می‌تواند به شکل‌های گوناگونی در آید.

در اینجا مجال اینکه به بررسی و نقد تعاریف متعدد^(۱۳) مدارا و جهات و جوانب مختلف آنها پرداخته شود، وجود ندارد. از این‌رو، در حال حاضر به ارائه تعریفی نسبتاً قانع‌کننده از این

مقوله اکتفاء می‌کنیم و سپس به توضیح و تحلیل عناصر مندرج در آن می‌پردازیم:

مدارا عبارت است از توانایی و آمادگی فرد، گروه یا جامعه برای تحمل

ارادی (آزادانه) عقاید و رفتارها و گفتارهایی که با هنجارها و ارزش‌های

مورد قبول و یا احترام آنها سازگاری ندارد.

در اینجا، یادآوری چند نکته مهم درباره تعریف یاد شده ضروری می‌نماید:

۱. واژه عقاید می‌تواند انواع باورها از جمله معتقدات مذهبی، اندیشه‌های سیاسی، آرای

فلسفی، جهان‌بینی‌ها، نظریه‌های علمی و گرایش‌های ادبی، هنری و غیره را شامل شود. کلمه

رفتار نیز گونه‌های مختلف عملکرد انسانی را - چه در زمینه فردی و چه در عرصه اجتماعی -

در برمی‌گیرد.

۲. در تعریف یاد شده، کلمه تحمل واجد مفهومی وسیع و عام‌الشمول است: این واژه نه تنها برمجاز دانستن اعتقاد به باورها و اندیشه‌های گوناگون ناظر است؛ بلکه به تبع آن، برآزادی نشر و ترویج آنها هم دلالت دارد. زیرا صرفِ قائل شدن آزادی اعتقاد - بدون مجاز شمردن انتشار و تبلیغ آن - نمی‌تواند منشاء اثر و فایده‌چندانی باشد. به تعبیری دیگر، باید علاوه بر بهره‌مندی از آزادی پندار و گفتار، در مرحله بعد از گفتار و انتشار هم، آزادی و عدم تعقیب تأمین باشد.

۳. افزودن صفت آزادی بعد از واژه تحمل، مبین این شرط اساسی است که مدارای با دگراندیشان و دگرکاران باید از روی اختیار و به طیب خاطر صورت گیرد و نه بر اثر اجبار یا اضطراب. (۱۴) به دیگر سخن، تحمل باید غیرتحمیلی باشد والا فاقد اصالت و ارزش خواهد بود.

۴. مدارا، به هیچ وجه، به معنای اعتقاد و اذعان به درستی باورها و رفتارهای دگراندیشان و دگرکاران نیست، سهل است، مستلزم اعتقاد به عدم صحت و حقانیت آنهاست. به عبارت دیگر، فرد یا جامعه‌ای که معتقد به مدارا باشد، ضمن پای‌بندی به اعتقادات و ارزش‌های خود، برای باورهای مخالفان هم، هر چند که مورد قبول و موافقتش نیست، احترام قائل می‌شود. (۱۵) بدین ترتیب، عدم موافقت و اعتراض نسبت به اندیشه‌ها و رفتارهای دیگران، در عین رواداری و تحمل آنها، لازمه و عنصر اساسی مداراست. بنابراین چه گفته شد، در صورت عدم مخالفت نسبت به امر مورد تحمل، مدارا دیگر نمی‌تواند مصداقی داشته باشد و تعبیر «بی تفاوتی» عنوان مناسب‌تری برای آن است.

۵. سرانجام باید به یک شرط مهم - و در عین حال بسیار بدیهی - اشاره کرد: بهره‌مندان از مدارا هرگز نباید - در صورت برخورداری از مدارای سایرین - در صدد تحمیل عقاید و یا شیوه‌های رفتاری خود بر دیگران برآیند. (۱۶)

پانوشته‌ها

1. systemic
2. context

۳. در زبان انگلیسی این واژه به شکل tolerancy هم به کار رفته است. در ضمن، برای بیان گرایش به مدارا از واژه tolerianism و برای کسی که بدان گرایش دارد از کلمه tolerant

استفاده می‌شود. ریشه لاتینی این واژه‌ها tolerates (به معنای تحمل شده) و معادل‌های آلمانی، ایتالیایی و اسپانیولی آن به ترتیب tolerancia, tolleranza, toleranz است. ناگفته نماند که در انگلیسی واژه‌های دیگری هم وجود دارد که کم و بیش واجد عناصر مهمی از مفهوم tolerance اند ولی به دشواری می‌توان آنها را مترادف با این واژه به شمار می‌آورد. از آن جمله‌اند allowance (مجاز دانستن دیگران)، sufferance (تحمل ورزیدن در قبال دیگران)، indulgence (اغماض نسبت به دیگران) و در درجات کمتری کلمات patience (صبوری در برابر دیگران)، negligence (تغافل، بی‌توجهی در برابر دیگران)

۴. خالص، بی‌غش

۵. حيله گر، مکار، محیل

پی‌نوشت‌ها

۱. مفاهیم هفت‌گانه‌ای که در بخش مربوط به سعدی مورد بررسی قرار گرفتند عبارت بودند از: عدالت، هویت، کار، تساهل، اختیار، نوگرایی و علم‌باوری.

۲. منظور بیت معروف حافظ است:

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا

۳. در اینجا به برخی از شواهد و دلایل این مدعا اشاره می‌شود:

- آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (قرآن کریم سورة النحل، آیه ۱۲۵) یعنی [مردم را] با برهان و توصیه نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با بهترین شیوه با آنها به جدل پرداز...

- آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (قرآن، سورة بقره، آیه ۲۵۶) یعنی در دین اکراهی نیست همانا [راه] هدایت از [راه] گمراهی آشکار شده است.

لَنْ يَسْطَرَّ إِلَيْكَ لِيَتَقَتَّلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
یعنی اگر تو دستت را برای کشتن من دراز کنی من هرگز با تو چنین نمی‌کنم من از خداوند که پروردگار عالمیان است می‌ترسم. (قرآن کریم سورة ۵: ۲۸)

(برای آگاهی از آیات متعدد دیگر در تأیید مدارا ← مقاله مدارا در قرآن (خرمشاهی، ۱۳۷۶، صفحات ۷۱-۷۵)، و نیز مقاله تنوع آرا، مدارا و آزادی بیان (نوری، ۱۳۷۹، ص ۲۳۲-۲۱۹) و مقاله تساهل و تسامح (مهاجرانی، بهار ۱۳۷۹، روزنامه اطلاعات، سلسله مقالات نقد حال) و نیز روایت «اختلاف امتی رحمة» اختلاف آرای امت من، [منشأ] رحمت است.

- در نامه پیامبر اکرم به هود بن علی - عامل بحرین - آمده است: «من صِلَى صلوتنا و استَقْبَل قِبَلَتَنَا و أَكَل ذَبِيحَتَنَا فَذَلِكَ الْمُسْلِمُ الَّذِي لَهُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَ ذِمَّةُ رَسُولِهِ» یعنی هر کس که مثل ما نماز بخواند و همانند ما، به قبله مسلمانان نماز بگذارد و ذبیحه ما را بخورد، او، مسلمان

بوده و در ذمه (= پناه) خداوند و پیامبر او قرار دارد. (حقیقت، اسلام و مدارا، همشهری، ۲ شهریور ۱۳۷۹)

- روایت منسوب به شیعه: «نَحْنُ أَبْنَاءُ الدَّلِيلِ نَمِيلُ حَيْثُ مَالٌ» یعنی ما فرزندان (= پیروان) دلیل هستیم، به هر چه دلیل حکم کرد، تسلیم می شویم.

- گفته حضرت علی (ع) که «اضربوا بعض الآراء على بعض حتى تتولد فيها صواب» یعنی نظریات مختلف را در مقابل هم عرضه کنید تا از مواجهه آنها، نظریه صحیح مشخص شود. (پژوهش های قرآنی، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۱۷۴)

- از سخنان حضرت مسیح (ع) است که: خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا بِالْبَاطِلِ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ. کونوا نَقَادَ الْكَلَامِ، فَكَمْ مِنْ ضَلَالَةٍ زُخْرِفَتْ بِآيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، كَمَا زُخْرِفَ الدَّرْهَمُ مِنْ نَحَاسٍ بِالْفِضَّةِ الْمُؤَوَّهَةِ. النظر إلى ذلك سواء، والبصراء به خبراء» یعنی: حق را (حتی) از باطل بگیرید اما باطل را (حتی) از اهل حق نگیرید. نَقَادِ (= بسیار نقد کننده) سخنان باشید؛ چه بسا ضلالتی که با آیه ای از کتاب خدا تزئین شده باشد، بسان سکه مسینی که با آب نقره تزئین شده است. سکه اصل با غیراصل در ظاهر یکسان است و حقیقت آن فقط برای اهل بینش روشن است. (نامه علوم انسانی، شماره ۳، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

- از گفته های محمد بن ادریس شافعی - پیشوای فرقه شافعی - است که: مَذْهَبِي صَوَابٌ يَحْتَمِلُ الْخَطَا وَ مَذْهَبُ غَيْرِي خَطَا، يَحْتَمِلُ الصَّوَابُ» یعنی مذهب من صواب (درست) است ولی احتمال خطا در آن می رود و مذهب غیر من خطاست ولی احتمال درستی نیز دارد.

- «كل مداراة صدقة» یعنی هر مدارایی (به منزله) صدقه است. (ایران پرست، گلستان سعدی، حواشی، ۱۳۴۸)

- از گفته های ابوالحسن اشعری است که: «لَا يَكْفُرُ أَهْلُ الْقَبْلَةِ» یعنی کسی که اهل قبله باشد کافر نمی شود. (نیز مقاله تسامح، مادر تمدن انسانی اسلام (زرین کوب، ۱۳۵۵، صص) و نیز مقاله به چه عنوان می توان در جامعه اسلامی از تسامح سخن گفت؟ (ارگون، مهر و آبان ۱۳۷۴، مجله کیان، سال پنجم، شماره ۲۷)

۴. دای دون، تدوین کننده تاریخ خط چینی (قرن ۱۳ میلادی) به نقل از کتاب کوچه، جلد یکم، مقدمه شادروان احمد شاملو

۵. برای توضیحات بیشتر ← عباس آریانپور کاشانی، (۱۳۴۲) ذیل toleration و tolerance و ماری بریجانیان، ذیل همان کلمات ۱۳۹۰ و نیز:

The American College Dictionary. C. L. Barnhart (Editor in Chief), Random House, New York, 1963.

ذیل واژه های toleration, tolerance و مشتقات آنها و نیز کلمات indulgence

allowance, sufferance. شایان ذکر است که شادروان دکتر محمود حسابی در برابر tolerance چشم‌پوشی و در برابر toleration آزر و شکیبایی به کار برده‌اند. (حسابی، ۱۳۷۳، ذیل toleration, tolerance)

۶. شایان ذکر است که شماری از نویسندگان و مترجمان تنها به ذکر یکی از دو بخش ترکیب مذکور اکتفا کرده‌اند از آن جمله: سید محمد خاتمی، محمد ارگون، دکتر عبدالحسین زرکوب، دکتر ضیاء موحد و مجتبی مینوی کاربرد واژه «تسامح» را ترجیح داده‌اند. در مقابل، دکتر حمید عنایت، شیرزاد گلشاهی کریم و دکتر حسین بشیریه استفاده از کلمه «تساهل» را اولی دانسته‌اند (برای آگاهی بیشتر از عنوان‌های مقالات نامبردگان در این خصوص ← فاضل میدی، ۱۳۷۹، ص ۵) و بالاخره بعضی همراه و توأم بودن دو کلمه را ترجیح داده‌اند از آن جمله، راوندی مؤلف کتاب راحة الصدور... دو واژه مزبور را - منتها به اشکال «مسهلت» و «مسامحت» - توأم ذکر کرده است:

مادام که عوانان و غمازان و بد دینانِ ظالم در امور دولتی و دیوانی مداخله داشتند، وضع عمومی مردم قابل تحمل بود و امرای وقت حقوق دیوانی را به مساهلت و مسامحت یعنی با روشی ارفاق‌آمیز از رعیت می‌گرفتند ولی امروزه از راه ظلم و ستمگری و بهانه‌جویی مردم را غارت می‌کنند. (نقل از تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، ج. هشتم، ص ۳۱۷)

در تعبیر «شریعت سهله سَمَحَه» و نیز حدیث منقول از پیامبر اکرم بدین شرح که «بَعَثَنِي بِالْجَنَفِیَةِ السَّهْلَةِ السَّمَحَةِ» (یعنی خداوند مرا برای پیامبری شریعتی آسان‌گیر و گذشت‌گرا مبعوث کرد) نیز، همراهی دو مفهوم مذکور کاملاً مشهود است.

۷. این تعبیر حداقل در دو اثر به کار برده شده است. مقاله پیام‌آور رواداری، مهاتما گاندی (جهانبگلو، ۱۳۷۸، صص ۹۷-۹۱) و مقاله رواداری (نیکفر، ۱۳۷۸، صص ۱۱۹-۶۶)

۸. برای توضیحات تفصیلی درباره ویژگی‌ها و شرایط تحقق و تجویز «رواداری»، مرزها، انواع و ارتباط آن با دین و عدالت مقاله رواداری نوشته محمدرضا نیکفر (پیشین).

۹. جای آن دارد که بین «رواداری» و «تحمل» فرق قائل شویم: خیلی چیزها را تحمل می‌کنیم، بی آنکه آنها را روا بدانیم. پس، رواداری، «روداشتن از موضع توانایی است نه ناتوانی» به تعبیری دیگر رواداری نه نشانه سستی هویت و شخصیت، بلکه نشانه استواری آن است. رواداری اطمینان به خود است، اطمینان به جایگاه خود در جهان است. اطمینان به جهان است. اطمینان به جهان بلندنظری است...» (مقاله «رواداری»، پیشین)

۱۰. فرهنگ حسابی (پیشین) ذیل toleration

۱۱. تعبیر «مدارا» در آثار زیادی به کار برده شده است: صرف‌نظر از مقاله «مدارا در قرآن» اثر بهاء‌الدین خرمشاهی (پیشین) ← فاضل میبدی، ۱۳۷۹، مقالات مندرج در صفحات ۱۱۸، ۱۸۳ و ۲۱۹.

۱۲. واژه مدارا که در نظم و نثر فارسی رایج است، در اصل «مداراة» بوده است به زیادتِ تاء مصدری و یا «مداری» که مصدر میمی است و در کتابت یای آن را به الف تبدیل کرده‌اند چنانکه در کلمه محابا؛ ولی این تبدیل در صورتی است که مدارا از ریشه «داریته» به یاء باشد و اگر از «دارأته» به همزه باشد، نوشتن آن به الف مطابق رسم الخط است مانند مجزاً (ماخذ: نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۲، شماره ۱، ص ۱۹ به نقل از لغت‌نامه دهخدا ذیل مدارا، حاشیه)

۱۳. به عنوان نمونه، به دو مورد از این تعاریف اشاره می‌شود:
مدارا «عبارت است از روا داشتن وجود عقاید و آراء مخالف و گوناگون سیاسی، دینی، اجتماعی، فلسفی، هنری در درون یک نظم سیاسی و اجتماعی...» (آشوری، ۱۳۶۶، ذیل رواداری)

مدارا در واقع مستلزم مجاز دانستن (allowance) و یا تحمل (sufferance) پندار یا رفتاری است که بدان باور و یا موافقتی نداریم:

Toleration implies the allowance or sufferance of conduct with which one is not in accord (C.L. Barnhart. *The American College Dictionary*, 1963)

۱۴. لازمه ارادی بودن مدارا، داشتن توانایی برای عدم رعایت و یا ترک آن است. به گفته یکی از صاحب‌نظران «مدارا غالباً از انسانی صادر می‌شود که قدرت بر ترک مدارا یا اعمال قدرت یا گاه خشونت هم دارد اما به الزام اخلاق و مهر انسانی برخود مهار می‌زند و مهربانی می‌ورزد یا مهرآمیز رفتار می‌کند. مدارا شأن انسان قوی و در موضع قوت و قدرت است و اگر فرد ضعیفی یا فردی که موقتاً در موضع ضعف و ناتوانی است، نرمش و ملایمت نشان دهد، آن واکنش را نمی‌توان مدارا نامید زیرا چاره‌ای جز آن ندارد» (خرمشاهی، ۱۳۷۶)

۱۵. «در تعریف [مدارا] و تسامح گفته‌اند: خودداری از اعمال خصمانه برضد آنچه قبول نداریم یا نمی‌پسندیم و یا از نظر سیاسی مخالف آن هستیم» از این تعریف چنین برمی‌آید که در مدارا و تسامح، برخلاف دوست داشتن یا نیکی کردن، همیشه چیزی ناپسند و نامقبول وجود دارد

و اهمیتِ تسامح نیز، در مدارا با همان چیزی است که آن را نمی‌پسندیم و قبول نداریم.
(موحد، ۱۳۷۷)

۱۶. به گفتهٔ گوبلو، بهره‌مندان از مدارا «استفاده از هرگونه وسیلهٔ خشونت یا اهانت یا اغفال را بایستی برخورد منع نمایند؛ در یک کلمه عقاید و آراء خود را ارائه دهند بدون اینکه بخواهند بر دیگران تحمیل کنند.» (لالاند، ۱۳۷۷، ذیل (tolérance))

مآخذ

آریانپور کاشانی، عباس (۱۳۴۲)، فرهنگ کامل جدید انگلیسی-فارسی (۵ جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ارگون، محمد (۱۳۷۴)، به چه عنوان می‌توان در جامعهٔ اسلامی از تسامح سخن گفت، مندرج در کتاب تساهل و تسامح (مجموعه مقالات)، ۱۳۷۹، تهران: مؤسسهٔ فرهنگی انتشاراتی آفرینه.

انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن (۸ جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
برجانیان، ماری (۱۳۹۰)، فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

جهانبگلو، رامین (۱۳۷۸)، پیام‌آورِ رواداری، مهاتما گاندی، مندرج در کتاب تساهل و تسامح (پیشین).

حسابی، محمود (۱۳۷۳)، فرهنگ حسابی، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشگاه صنعتی امیرکبیر (واحد تفرش).

حقیقت، سید محمد (۱۳۷۹)، اسلام و مدارا، همشهری، شمارهٔ مورخ دوم شهریور.

خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۶)، مدارا در قرآن، مجلهٔ نامهٔ فرهنگ، سال هفتم، شمارهٔ چهارم.

دانشکدهٔ ادبیات تبریز (سال ۹)، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز، سال ۲، شمارهٔ ۱.

دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: سازمان لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران.

راوندی، مرتضی (۱۳۷۴)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد هشتم، تهران: انتشارات نگاه.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۵۵)، تسامح مادر تمدن انسانی اسلام، مندرج در کتاب تساهل و تسامح (پیشین).

فاضل ميبدي، محمدتقي (گردآورنده، ۱۳۷۹)، *تساهل و تسامح* (پيشين).
معين، محمد (۱۳۵۳)، *فرهنگ فارسي*، چاپ دوم، تهران: انتشارات اميرکبير.
مهاجراني، عطاءالله (۱۳۷۹)، *تساهل و تسامح*، مندرج در کتاب *تساهل و تسامح* (پيشين).
موحد محمدي، ضياء (۱۳۷۹)، *فرا تراز تسامح*، مجله کيان، سال هشتم تا شماره ۴۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۷.

نوري، عبدالله (۱۳۷۹)، *تنوع آزا، مدارا و آزادي بيان*، مندرج در کتاب *تساهل و تسامح* (پيشين).

Barnhart, C.L. (Editor in Chief) 1963. *The American College Dictionary*, Random House. New York.